

به‌ساخته

کارآگاه سیستم  
در ایران

۳

ماجرای جوی در غار

هوپا  
Hoopa



# کارآگاه سیتو در ایران

۳

ماجراجویی در غار



نویسنده: لاله زارع  
تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور

سرشناسه: زارع، لاله،  
 عنوان و نام پدیدآور: کارآگاه سیتو در ایران، ماجراجویی در غار /  
 نویسنده: لاله زارع ؛ تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور.  
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۲.  
 مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.؛ مصور (رنگی)  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۶۲-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴  
 Young adult fiction, Persian -- 20th century  
 کارآگاهان -- ادبیات کودکان و نوجوانان  
 Detectives-- Juvenile literature  
 داستان‌های پلیسی  
 Detective and mystery stories  
 شناسه افزوده: محمدعلیپور، فاطمه، ۱۳۶۳ -- تصویرگر  
 ردبندی کنگره: PIR۸۳۴۶  
 رده بندی دیویی: ۱۸۵۳/۶۲ [ج]  
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۵۲۷۹۶۹



کارآگاه سیتو در ایران ۳

## ماجراجویی در غار



نویسنده: لاله زارع  
 تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور  
 ویراستار: مانا رجب‌زاده  
 مدیر هنری: فرشاد رستمی  
 طراح گرافیک: سحر احدی  
 نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳  
 تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه  
 قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۶۲-۳

**هوپا**

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.  
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
- استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

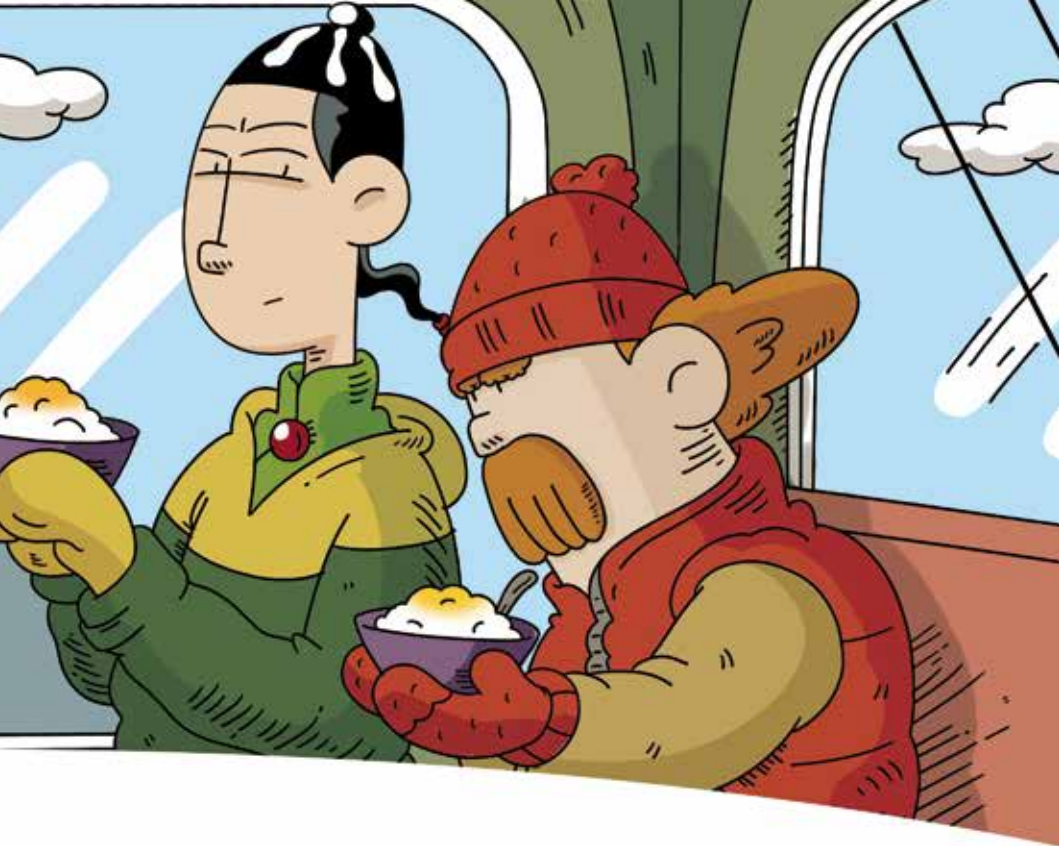
Copyright © Houppaa Publication, 2024

The original creators of Inspector Cito character are Mr. Antonio Iturbe (text) and Mr. Alex Omist (illustrations) and that Inspector Cito is a registered Trade Mark. This book, Inspector Cito in Iran, is written, illustrated and published in arrangement by Edebe Publishing House. All rights Reserved.

پدیدآورندگان اصلی شخصیت کارآگاه سیتو در نسخه‌ی اسپانیایی آنتونیو ایتوربه (نویسنده) و آکس اومیست (تصویرگر) هستند. براین اساس، نشر هوپا در چارچوب قوانین بین‌المللی انحصار نشر (copyright) با عقد قرارداد با انتشارات **edebe**، امتیاز استفاده از شخصیت کارآگاه سیتو را خریداری کرده است و مجموعه‌ی «کارآگاه سیتو در ایران» را زیر نظر پدیدآورندگان نسخه‌ی اسپانیایی تألیف و منتشر کرده است.

برای مانی محمودی





کارآگاه سیتو و چین می‌ادو با تله‌کابین به کوه الوند رفته بودند. آن‌ها یک کاسه در دست داشتند پر از برف تمیز که با شیره‌ی انگور مخلوط شده بود. کارآگاه همین‌طور که از دیدن منظره برفی لذت می‌برد یک قاشق بزرگ برف و شیره خورد و سعی کرد بفهمد چه مزه‌ای می‌دهد.



راهنمایی که همراهشان بود، گفت: «قدیم‌ها مردم برف و شیره رو به جای بستنی می‌خوردن، ولی فایده‌اش از بستنی بیشتره، به خاطر شیره‌ی انگور.»  
کارآگاه شیره‌ی انگور را که نوک سبیلش چسبیده بود لیسید و گفت: «چرا همه‌ی چیزهایی که خیلی فایده دارن مزه‌شون عجیب‌غریبه؟»

تله کابین به پایین کوه رسیده بود. گوش‌های  
چین می‌ادو از سرما قرمز شده بود،  
ولی کلاه کارآگاه سیتو سرش را گرم  
نگه می‌داشت. وقتی پایشان را  
روی برف‌ها گذاشتند، دربان  
هتل به طرفشان آمد و یک  
پاکت نامه به کارآگاه داد و  
گفت: «فرمانده تارنوس براتون



پیغام گذاشته.»

کارآگاه سیتو زیرلب غر زد: «فرمانده تروئوس!»  
بعد ذره‌بین عینکی‌اش را از جیب پالتویش درآورد و نامه‌ی او  
را خواند. چین می‌ادو دید که ابروهای کارآگاه اول گره خورد  
توی هم و بعد بالا پرید. کارآگاه نامه را تا کرد و به چین می‌ادو  
گفت: «باید بریم به غار... هوم. چه اسم سختی داره!»  
راهنما بلند تکرار کرد: «غار علیصدر! بزرگ‌ترین غار آبی  
جهان. در این غار...»  
ولی کارآگاه و دستیارش بقیه‌ی حرف‌هایش را نشنیدند،  
چون عجله داشتند به مأموریت بروند.





جلوی غار چند نفر منتظر کارآگاه ایستاده بودند. وقتی کارآگاه سیتو به آن‌ها رسید بدون معطلی پرسید: «این‌جا چه اتفاقی افتاده؟»

یکی از آن‌ها گفت: «نمی‌دونیم. برای همین خواستیم به ما کمک کنین بفهمیم چی شده.»  
کارآگاه گفت: «اولین باره که نمی‌دونم باید چه معمایی رو حل کنیم.»

یک نفر دیگر که رئیس آن‌جا بود، به سبد توری بزرگی که یک گوشه افتاده بود اشاره کرد و گفت: «این رو از توی غار پیدا کردیم. این سبد مخصوص چیدن

انگوره.»

کارآگاه سیتو گفت: «سبد انگور توی

غار؟!»

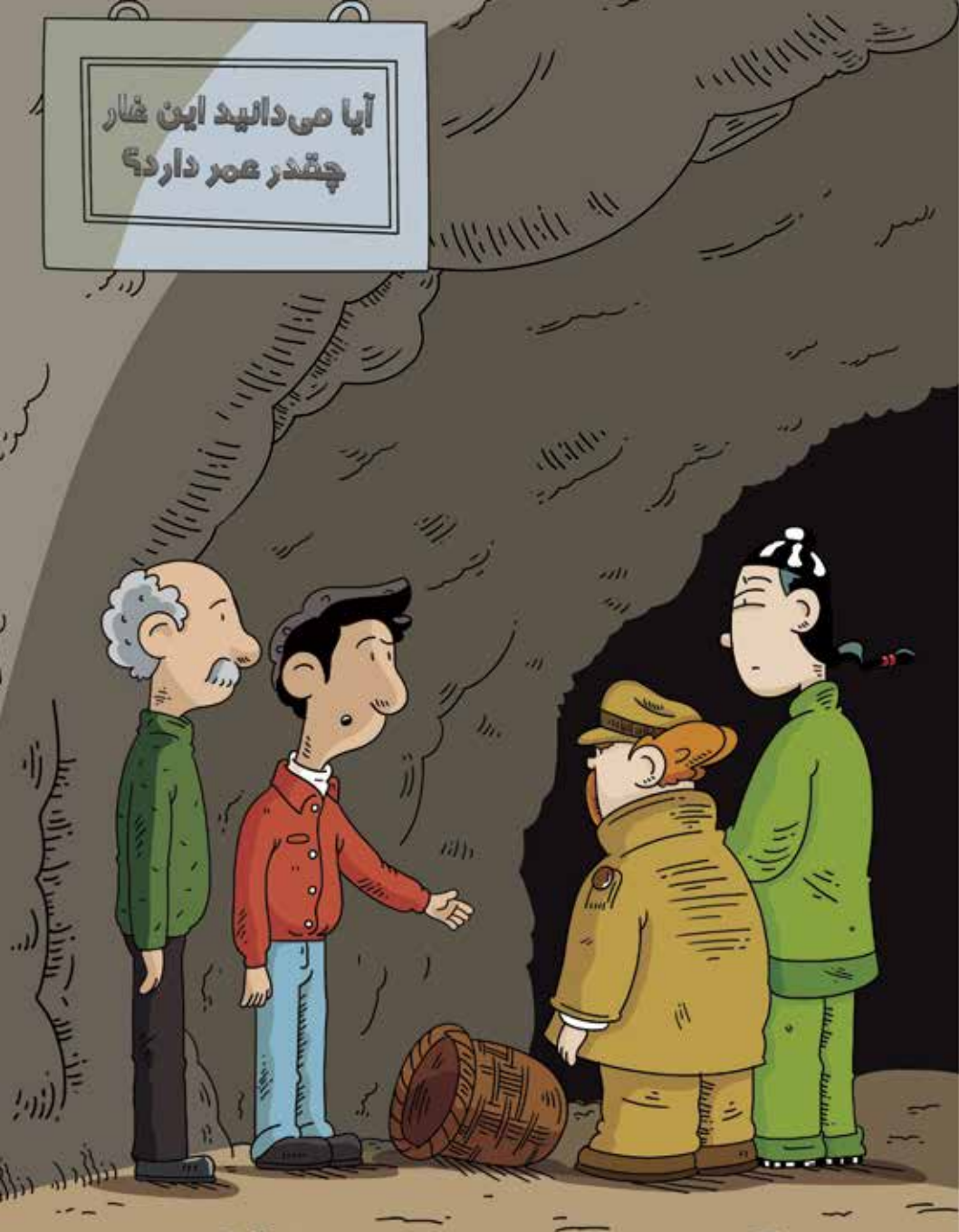
یکی از مردها گفت: «قایق پدالی

هم خراب شده. خودتون بیاین

بینین.»



آیا می دانید این غار  
چقدر عمر دارد؟



همه با هم به غار رفتند. داخل غار با نور چراغ روشن بود، ولی غار آن قدر بزرگ بود که تهش معلوم نبود. چند قایق آن جا بود. قبل از این که قایق ران چیزی بگوید، چین می ادو با یک پرش بلند توی قایق فرود آمد و آب، شِلپ ریخت هوا. قایق ران گفت: «می خواستم بگم قایق سوراخ شده.» کارآگاه پاچه های شلوارش را زد بالا و آرام وارد قایق شد. قایق ران با ترس ولرز گفت: «می ترسیم یه نفر افتاده باشه توی آب و غرق شده باشه.»

چین می ادو گفت: «توی غار غرق شده باشه؟»  
قایق ران جواب داد: «آخه بعضی جاها عمق آب دوازده متره.»



